

دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

عنوان پایان نامه :

سبک شناسی شعر زنان قاجار

نگارش

سوسن خسروی

استاد راهنما:

دکتر طاهره صادقی تحصیلی

استاد مشاور:

دکتر صفیه مراد خانی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

شهریور 1390



صورت جلسه ی ارزشیابی پایان نامه های کارشناسی ارشد

جلسه ی دفاع از پایان نامه ی کارشناسی ارشد خانم سوسن خمصروی
تحت عنوان: سبک شناسی شعر زنان قاجار

در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۰/۶/۲۷ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان برگزار گردید.

هیأت داوران براساس اهمیت موضوع، کیفیت پایان نامه، استماع دفاعیه و نحوه پاسخگویی به سوال ها، پایان نامه ی ایشان را برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در رشته **زبان و ادبیات فارسی** معادل با چهار واحد نمره ۴ (به حروف) (به عدد) و با درجه ی **بسیار خوب** مورد تصویب قرار داد.

هیأت داوران

استاد راهنما: دکتر ظاهره صادقی تحصیلی

استاد مشاور: دکتر صفیه مراد خانی

داور داخلی: دکتر قاسم صحرائی

داور داخلی: دکتر علی حیدری

مرتبه علمی

استاد یار دانشگاه لرستان

استاد یار دانشگاه لرستان

استاد یار دانشگاه لرستان

استاد یار دانشگاه لرستان

امضاء

ناظر موقت تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات: دکتر داریوش پوراحمدی، استاد یار دانشگاه لرستان

مدیر گروه رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی / مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه

دکتر بهمن غضنفری

دکتر طاهره صادقی تحصیلی

دکتر علی حیدری

تشکر و سپاس:

از همراهی و راهنمایی های دلسوزانه و بی دریغ استاد راهنما سر
کار خانم دکتر صادقی تحصیلی و استاد مشاور خانم دکتر مراد خانمی
که صبورانه یاری نمودند و هم چنین اساتید گران قدر جناب
آقای دکتر حسینی و جناب آقای دکتر صرایی که داوران این
اثر را پذیرفته و دیدگاه های ارزنده و اصلاحی خود را مطرح
نمودند صمیمانه سپاس گزار می شود.

تقدیم به :

مادر

آن که یک حرف و دو حرف بر زبانم
الفاظ نهاد و گفتن آموخت

و پدر

که با دعای خیرش همراه لحظه به لحظه ی
زندگیم بود

فهرست مطالب:

صفحه

چکیده

1-5 کلیات تحقیق

فصل اول

6 مقدمه

7-9 سبک شعر در دوره ی قاجار

10-11 سبک شعر زنان دوره ی قاجار

فصل دوم:

12 -160..... بررسی سبک شعر زنان در دوره ی قاجار

13-18 تاج الدوله (طاووس خانم)

19-24 خانم کوچک

25-34 رشحه کاشانی

35-44 شمس کسمایی

45-51 ضیاء السلطنه

52- 60 عفت نسابه

61-68 فاطمه سلطان فراهانی

69-78 فخر عظمی ارغون (فخر عادل خلعت بری)

79-92 فصل بهار خانم (جنت)

93-106 گوهر قاجار

107-129 مستوره کردستانی

130-144ملولی شیرازی

145-152مهترتاج رخشان

153-161والیه (حسن جهان خانم)

فصل سوم:

161 - 166وجوه اشتراک و افتراق ادبی، زبانی و فکری شاعران

فصل چهارم:

168-170جداول

فصل پنجم:

171-172نتیجه گیری

173-175منابع و مأخذ

کثرت شاعران زن در دوره ی قاجار، از هموار شدن راه شاعری زنان (که تا پیش از آن با محدودیت ها و ممنوعیت های جدی رو به رو بودند) حکایت می کند. در بررسی سبک شناسانه اشعار چهارده تن از شاعران زن دوره ی قاجار پی می بریم که از نظر فکری مضمون برخی از اشعار آنان عاشقانه است که معمولاً هیچ یک از مباحث هستی شناختی و ممیزه های جنسیتی زن را در حیطه ی حسی و عاطفی در بر نمی گیرد که در اشعار مستوره، والیه و تاج الدوله چنین مضامینی منعکس شده است. در اشعار گوهر قاجار و خانم کوچک نیز مؤلفه های دینی تجلی یافته و رگه هایی از عرفان در شعر گوهر قاجار و عفت نسابه دیده می شود. شاعرانی چون ضیاء السلطنه و رشحه نیز به مداحی شاهان و بزرگان دربار قاجار پرداخته اند. در دوره ی مشروطه، تحولات سیاسی و اجتماعی بر ذهن و اندیشه ی شاعران تأثیر گذارتر می شود. در اشعار فخرعظمی ارغون، مهرتاج رخشان، فاطمه فراهانی و به ویژه شمس کسمایی، مضامینی چون آزادی خواهی، شور وطن خواهی، نوجویی، اعتراض به فضای استبدادی جامعه، قانون خواهی، تقاضای حق و حقوق و ... دیده می شود. از نظر مسائل ادبی و زبانی هر چند در اکثر اشعار، نوآوری در زبان، ترکیب واژه ها و تصاویر شعری دیده نمی شود، اما در دوره ی مشروطه شاهد ورود ترکیبات و اصطلاحات تازه ای هستیم که مبین رویدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر مشروطه است.

کلید واژه ها: سبک شناسی، شعر، زن، قاجار

كليات تحقيق

کلیات تحقیق

بیان مسأله: تذکره نویسان از نود شاعر زن در دوره ی قاجار یاد می کنند که شمار زیادی از آنان، زنان، همسران، دختران، نوه ها و یا بستگان دور و نزدیک پادشاهان قاجار محسوب می شوند. موقعیت اقتصادی و اجتماعی و همچنین بهره مندی از سواد خواندن و نوشتن، زمینه های فراغت را برای سرایش شعر آن ها آسان می ساخت. زبان شعری در اکثر اشعار این زنان، زبانی مردانه، تقلیدی، تکراری، محدود و فاقد تشخیص شعری و مباحث حسی و عاطفی زنانه است. اما هر چه به دوره ی مشروطه نزدیک می شویم نوجویی، دید انتقادی به جامعه، اذعان به ستم پذیری زن، اشاره به زندگی شخصی، انتقاد از تعدد زوجات و از همسر، تقاضای حق و حقوق و ... در اشعار آنان بیشتر می شود. از نظر مسائل ادبی و زبانی نیز فقدان نوآوری در زبان و همچنین ترکیب سازی و تصاویر شعری دیده می شود. در این اثر، با تحلیل سبک شناسانه اشعار چهارده تن از شاعران زن دوره ی قاجار به سیر تطور اندیشه، مباحث ادبی، خلاقیت هنری و بالاخره شاخص های زبانی آن ها، پرداخته شده است.

تعریف مفاهیم:

سبک شناسی: بررسی ویژگی های فکر، زبانی و ادبی در یک اثر ادبی است.
سبک [sabk]: «در لغت تازی به معنی گذاختن و ریختن زر و نقره در قالب است و سبیکه پاره نقره گذاخته را گویند.» (بهار، 1381: 15)

مفهوم سبک از دیر باز در ذهن شعرا و نویسندگان وجود داشته است، شاعران قدیم ایران در آثار خود لغاتی چون طرز، شیوه، سیاق، رسم و... را تقریباً مترادف با آن چه امروزه ناظر بر واژه ی سبک است آورده اند؛ به ویژه هنگامی که می خواستند ویژگی های شعری خود را بیان کنند و یا هنگام اشاره به شعر دیگر شاعران و برتری نهادن شعر خود بر شعر آنان (تفاخر به نیکو بودن شعر خود) اصطلاحات مذکور را به کار می برند بی آنکه تعریف روشن و واضحی از آن ارائه دهند. به عنوان مثال:

شعر ظهیر گرچه سرآمد ز جنس نظم	با طرز انوری نزنند لاف همسری
بر اوج مشتری نرسد تیر نظم او	خاصه که ثناگری و مدح گستری

(همگر، 1375: 285)

منصفان استاد داندم که در معنی و لفظ	شیوه ی تازه نه رسم باستان آورده ام
خاقانی آن کسان که طریق تو می روند	زاغند و زاغ را روش کبک آرزوست

(خاقانی، 1385: 285-65)

در کتب بلاغی و تذکره ها نیز اشارات اندکی به سبک و شیوه ی شاعری و نویسندگی شده است، قدیم ترین کتاب در این زمینه ترجمان البلاغه ی محمدبن عمر رادویانی است. در تذکره الشعرا ی دولت شاه سمرقندی نیز رگه هایی از توجه به سبک دیده می شود، که در برگزیده ی ویژگی های اساسی سبک به

مفهوم امروزی نیست « از عهد صفویه به بعد در کتب تذکره به مفاد معنی « سبک » برمی‌خوریم. و ملتفت می‌شویم که در عهد صفوی شعر شناسان متوجه معنی سبک بوده‌اند. (بهار، 1381: 21)

بهار در مقدمه‌ی کتاب سه جلدی سبک شناسی می‌گوید: « سبک به معنی عام خود عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش را مشخص می‌سازد. » (بهار، 1381: 16) او می‌گوید: هر فکر و موضوعی، شکل و قالبی برای تعبیر لازم دارد. فکر در قالب جملات مستقر است و جداگانه بیان نمی‌شود. موضوع، خود در ادبیات جزو شکل محسوب می‌شود و هرگز نمی‌تواند از آن جدا باشد از سوی دیگر مطلب یا فکر اصلی یک اثر ادبی شکل آن را تعیین می‌کند و همچنین یگانگی فکر و شکل یا معنی و صورت است که بنیاد سبک را تشکیل می‌دهد. ایشان معتقدند: سبک شناسی را نمی‌توان دانشی مستقل تلقی کرد؛ بلکه باید آن را فنی مرکب از علوم و فنون مختلف دانست که احاطه به مجموع آن‌ها با ضمیمه شدن یک رشته تتبعات دقیق سبک شناسی را به وجود می‌آورد. (همان)

دهخدا « سبک را در اصطلاح ادبیات، عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تجهیز دانسته » او معتقد است سبک اثر ادبی وجهه‌ی خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه‌ی خود وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره‌ی «حقیقت» است. بنابراین سبک به معنی عام خود عبارت است از: تحقق ادبی یک نوع ادراک جهان که خصایص اصلی خود را در اثر منظوم یا منثور مشخص می‌سازد. (دهخدا، 1349، ج 28: 249)

مصاحب: « شیوه‌ی خاص شاعر یا نویسنده برای بیان مطالب و اندیشه‌های خود که مشخص کننده‌ی اثر از آثار ادبی دیگر است، سبک نامیده و از عوامل اصلی در تعیین سبک را به نوع الفاظ و ترکیبات، جمله بندی‌ها و طرز تعیین معانی یاد کرده است. » (مصاحب، 1345: 1258)

دکتر شمیسا می‌گوید: « سبک حاصل انحراف و خروج از هنجارهای عادی زبان است. » (شمیسا، 1380: 32) « از صدا یعنی از سبک، می‌توان به صاحب صدا رسید و سبک به معنی سخن نیست بلکه روش بیان است. » (همان، 46)

از میان سبک شناسان غربی نیز، بوفن معتقد است، « سبک، خود شخص است. » او در تعریف سبک می‌گوید: سبک کشف روح گوینده و مظهریست از زندگانی و شخصیت آدمی «و نیز « سبک و خداوند سبک یکی است. » به عبارت دیگر سبک عین ذات گوینده است و برای حرف خود چنین توضیحی دارد که: اطلاعات، اختراعات و اکتشافات، اعمال و وقایع به سهولت محو می‌شوند و یا افراد لایق تر و شایسته تر آن را می‌ربایند و به نام خود می‌کنند. تنها نوشته‌ها و سبک‌های عالی که محتوی ذوق و قریحه‌ی بلند نویسنده است به جای می‌ماند و پدیدار می‌باشد، سبک گویند. (شمیسا، 1381: 18)

گوستاو فلوربر می‌گوید: « شیوه‌ی دیدن است. » (همان)

علم سبک شناسی در اروپا در قرن هجدهم میلادی با پیشرفت دانش زبان شناسی و پیدایش مکاتب آن دستخوش تحولاتی شد، و نهایتاً در قرن بیستم سبک شناسی جدید با توجه به اصول زبان شناسی، که بنیان

گذار آن شارل بارلی است، به وجود آمد. «بارلی، که از سبک شناسان برجسته و پدر سبک شناسی جدید محسوب می‌شود، نخستین بار این مطلب را مطرح کرد، که عبارات متحدالمضمون از نظر شدت عواطف و احساسات با هم متفاوتند و این تفاوت سبک است.» (شمیسا، 1381: 21)

در ایران نیز، نخستین اثری که به معنای امروزی به بررسی سبک و پژوهش‌های سبک شناختی پرداخته، کتاب سه جلدی (سبک شناسی نثر) محمدتقی بهار است که درباره‌ی مفهوم کلمه‌ی سبک در ادبیات بحث کرده «بهار به نوع خود توانسته این علم را در ایران پایه گذاری کند، اما به جهت پرداختن به سیاست و روزنامه نگاری توفیق و مجال تألیف سبک شناسی شعر را نیافته است.» (غلامرضایی، 1377: 12)

همان گونه که مشاهده شد در همه‌ی تعاریف ارائه شده از سبک به طرز یا شیوه‌ی خاص بیان و گفتار تأکید شده و این که هر شاعر یا نویسنده‌ای برای ادای مقصود خود طرز خاصی را برمی‌گزیند که با شیوه‌ی دیگر شاعران و نویسندگان متفاوت است.

سوالات تحقیق: (شامل سوالات اصلی و فرعی)

سوال اصلی: موضوع و ویژگی‌های فکری، ادبی و زبانی شعر زنان قاجار چیست؟

سوال فرعی: آیا شاعران زن دوره قاجار در تبیین جایگاه زنان در شعر فارسی تاثیرگذار بودند؟

فرضیات تحقیق: (فرضیه اصلی و فرضیات جنبی یا جانمایی)

فرضیه اصلی: در اشعار گروهی از زنان علاوه بر اندیشه‌های دینی، عرفانی، مرثیه، منقبت و اندرز، از عشق، حرمان، آرزوها، غم هجران، شکوه و شکایت از جور رقیب، ناکامی، تنهایی و... سخن گفته می‌شود. به تدریج ابعاد تازه‌ای از اندیشه‌های اجتماعی و دغدغه‌های تاریخی زن به شعر راه می‌یابد. نواندیشی، تجددطلبی، هویت خواهی و درک واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، و نیز جدال با محرومیت‌ها در اشعار زنان جلوه‌گر می‌شود و سرفصل تازه‌ای در شعر و ادبیات فارسی گشوده می‌گردد. به نظر می‌رسد مباحث مختلف ادبی، هنری و بلاغی در اشعار زنان اندک است و از نظر زبانی (لغوی، نحوی و آوایی) تفاوت چندانی با شعر مردان ندارند، ولی از قرن چهاردهم به بعد بسامد برخی از واژه‌ها تفاوت معنی داری با شعر شاعران مرد دارد.

فرضیه فرعی: در آثار ادبی دوره قاجار (به ویژه مشروطه) شکل جدیدی از ادبیات انتقادی، اجتماعی، سیاسی رقم می‌خورد. زنان نیز به موازات حضور اجتماعی خود، ابعاد تازه‌ای از اندیشه‌های مختلف اجتماعی را در

اشعارشان بازتاب می دادند. صراحت، صمیمیت، انتقاد از محدودیتها، عصیان علیه باورهای سنتی و خرافی، بیان احساسات و عواطف زنانه، ذکر خواسته ها و مطالبات در اشعارشان منعکس می شود و شاعرانی چون مهرتاج رخشان، فخر عادل خلعت بری، شمس کسمائی افق های نوینی را فراروی زنان می گشاید که مصداق آشکار عصیان اجتماعی زن و نگاه دوباره او به خویشتن خویش و تلاش خستگی ناپذیر او برای هویت خواهی محسوب می شود.

پیشینه موضوع و سوابق مربوط : (بیان مختصر تحقیق، نتایج به دست آمده و نظرات علمی رایج موجود درباره موضوع رساله)

به رغم تعداد زیاد شاعران زن در این دوره، زن و شعر او کمتر به عنوان هویتی مستقل و صاحب اندیشه در نظر گرفته شده و بررسی ویژگی های زبانی، ادبی، فکری شعر آنان مغفول مانده است. لذا در آثار مکتوب موجود تا این زمان هیچ گونه اثری که در ارتباط مستقیم با موضوع این پایان نامه باشد پیدا نشده، مگر به صورت یادداشت هایی پراکنده و آن هم جزیی از جمله : تذکره اندرونی اثر بنفشه حجازی، نیمه های ناتمام اثر پوران فرخ زاد، کارنمای زنان کارآمد ایران اثر پوران فرخ زاد، زنان شاعر ایران اثر مهتری شاه حسینی و...

ضرورت ها و اهداف تحقیق :

زن ایرانی در تاریخ گذشته به دلایلی همچون، زیربنای فرهنگی جامعه، پیشینه ی تاریخ مردسالار و این که سیاست اقتصاد و ساختارهای آن تماما از دیرباز در دست مردان بوده، مقام و ارزش چندانی نداشته و کمتر از او حمایتی به عمل آمده است و به تبع آن، عواطف، احساسات، خواسته ها، علایق و دغدغه های او نیز نادیده انگاشته شده است. از آنجا که موضوع مورد بحث این پایان نامه شناخت ویژگی های فکری، زبانی و ادبی زنان دوره ی قاجار است. باتوجه به اینکه در اواخر این دوره تحولاتی فرهنگی و اجتماعی روی داد که باعث شد زنان به باورهای سنتی پشت پازده، با اعتماد بر توانایی های خود در عرصه های گوناگون حضور پیدا کنند و خواهان تغییر سبک زندگی خود شوند، تحلیل این ویژگی ها می تواند در تبیین هویت زن و شناخت درست

جایگاه واقعی او در عرصه ی ادبیات رهنمون ما باشد. بدین ترتیب با مرور اشعار تعدادی از زنان قاجار برخی از زوایای مبهم و تاریک آن دوره روشن می شود.

روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات :

روش تحقیق در این پایان نامه به صورت تحلیلی - توصیفی خواهد بود.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات : (میدانی ، کتابخانه ای و...) و (پرسشنامه ، مصاحبه ، مشاهده ، آزمون ، فیش و....)

در این پایان نامه روش گردآوری اطلاعات ، کتابخانه ای و ابزار آن فیش برداری است.

هر چند شعر زن و حضور ادبی او، موضوعی نبوده که در میان مورخان عهد قاجار به صورت فصل یا اثری مستقل به آن توجه کنند، زیرا اکثر آن ها همت خود را وقف شرح حوادث سیاسی، شیوه ی زندگانی شاهان و رجال وقت می کردند و علاقه ای به تبیین زندگی فرهنگی و هنری و ادبی زنان نداشته اند اما با این حال تذکره هایی در این عهد به جا مانده اند که از حیث ثبت و ضبط و شرح احوال شاعران زن این دوره حائز اهمیت می باشند از جمله این تذکره ها می توان از تذکره خواتین، خیرات حسان، حدیقه الشعراء، فارسنامه ناصری، که متأسفانه بسیاری از این کتابه ها کمیاب و در دسترس نیستند که نگارنده با مراجعه به کتابخانه های اسناد ملی تهران و شیراز و به منظور تبیین شرح حال و آثار زنان بدان ها استناد جسته است.

این پژوهش شامل بررسی 887 بیت از اشعار چهارده تن از زنان دوره ی قاجار است شیوه ی کار بدین گونه بوده که اکثر اشعار زنان (به علت محدودیت) سبک شناسی شده است ولی از دیوان مستوره کردستانی (به علت کثرت شعر) بر حسب اتفاق و بر اساس حروف قافیه اشعاری انتخاب و بررسی شده است. شیوه ی بررسی سبک شناسانه ی این پایان نامه بر اساس روش پیشنهادی دکتر شمیسا به بررسی ویژگی های ادبی، زبانی و فکری اشعار و به شیوه ی تحلیلی و توصیفی پرداخته است.

چون تحقیقات سبک شناسی مبتنی بر اعداد و ارقام است لذا سعی شده نکاتی مورد توجه قرار گیرد که می تواند به عنوان ویژگی سبکی مطرح باشد و بسامد بالایی را شامل شود. این پژوهش در مباحث زیر تنظیم شده است:

1) بخش ادبی

1-1: بدیع لفظی

1-1-1. سجع: در این قسمت سجع متوازی و مطرف مورد نظر بوده است. (لازم به ذکر است در ثبت سجع ها از آوردن کلمات قافیه که در هر صورت دارای نوعی سجع یا جناس هستند صرف نظر شده است.)

1-1-2. جناس: انواع مختلف جناس با ذکر نوع آن استخراج شده است.

1-1-3. تکرار: کلمات که در بیت تکرار شده اند ذکر شده است.

1-1-4. همحروفی: اگر حرف یا صدایی تکرار شده و نغمه حروف را ایجاد کرده به آن اشاره شده است.

2-1: بدیع معنوی

1-2-1. تناسب: کلماتی که به نحوی با هم تناسب دارند آورده شده است.

1-2-2. تضاد: در این قسمت به ذکر کلماتی که دارای معنای مخالف هم هستند پرداخته ام

1-2-3. ایهام: کلماتی که ایهام داشته اند مشخص شده است.

1-2-4. ایهام تناسب: کلماتی که ایهام تناسب داشته اند با ذکر هر دو معنی آمده اند.

1-2-5. ایهام تضاد: پارادوکس مد نظر بوده است.

- 1-2-6. حسن تعلیل: اگر در بیتی تنها علت ادبی آمده است با ذکر شماره ی بیت به آن اشاره شده است.
- 1-2-7. تلمیح: اشاره به داستان، حوادث تاریخی و... مورد نظر بوده است.
- 1-3: بیان
- 1-3-1. تشبیه: انواع تشبیه با ذکر نوع آن نمایانده شده است.
- 1-3-2. استعاره: استعاره مصرحه (بدون اشاره به جزئیات) و استعاره مکنیه و تشخیص مشخص شده است.
- 1-3-3. کنایه: به استخراج کنایه ها و ذکر معنای کنایی پرداخته ایم.
- 1-3-4. مجاز: در این قسمت به کلماتی که در معنای مجازی به کار رفته اند بدون مشخص کردن علاقه پرداخته ایم.
- 1-3-5. لف و نشر: در این قسمت لف و نشر ها در بیت با اشاره به نوع آن استخراج شده است.
- (2) بخش زبانی
- 1-2. آوایی: در این قسمت وزن و بحر اشعار مشخص شده است.
- 2-2 لغوی
- 2-2-1. تکرار قافیه: اگر قافیه ای در شعر شاعری تکرار شده آن را مشخص نموده ایم.
- 2-2-2. لغات عربی: به مشخص کردن لغات عربی وارد شده در متن پرداخته ایم.
- 2-2-3. لغات کهن فارسی: لغاتی که امروزه استفاده نمی شوند مطمح نظر بوده است.
- 2-2-4. ترکیبات: در این قسمت ترکیبات اضافی و وصفی مشخص شده اند و اگر ترکیبی بیشتر از دو کلمه بوده است یک جا آورده شده است.
- 2-3. نحوی
- 2-3-1. حذف فعل: اگر فعلی از بیتی کاسته شده بدون مشخص کردن قرینه به آن اشاره شده است.
- 2-3-2. منفی کردن فعل با آوردن ا «نه» بر سر فعل: افعالی که با گرفتن «نه» منفی شده اند آورده شده است.
- 2-3-3. آوردن «ب» بر سر فعل ماضی: اگر «ب» زینت بر سر فعل ماضی آمده ذکر شده است.
- 2-3-4. صرف افعال کهن: افعالی که به امروزه به کار برده نمی شوند ذکر شده است. (افعال پیشوندی ذکر نشده اند)
- 3- بخش فکری: در این سطح به بررسی اندیشه ها، مضامین و محتوای اشعار شاعران مورد نظر پرداخته شده است.
- موارد ادبی، زبانی که در این رساله مد نظر بوده است با کمی تغییر با پیروی از پایان نامه ی خانم پروانه مؤمن نیا با عنوان «مقایسه ی سبک شناسانه ی اقتفای صائب تبریزی از حافظ شیرازی» انتخاب شده است.
- (مؤمن نیا، 1386: 8-12)

در اواخر دوره ی صفویه و دوره نادر شاه افشار، در میان بعضی از شاعران و ادیبان اندیشه هایی در رد و طرد سبک هندی پدید آمد و در دوره ی زندیه به یک نهضت ادبی تبدیل شد. شاعرانی چون مشتاق اصفهانی، عاشق اصفهانی، طیب اصفهانی، لطفعلی آذر بیگدلی، صباحی بید گلی و... به جای ادامه سبک هندی از شاعران متقدم پیروی کردند. «در این دوره به دلیل این که کریم خان زند چیزی از شعر و ادب نمی دانست و اوضاع اصفهان نیز ویران بود توجهی به این شعرا نداشت. در نتیجه نهضتی که جرقه های آن زده شده بود نتوانست در این محیط نامساعد به ثمر برسد. (تجربه کار، 1350: 134) با استقرار سلطنت در دودمان قاجار و برقرار شدن آرامش نسبی، فرصت های مناسبی برای فعالیت های ادبی پیش آمد به قول آراین پور «برقرار شدن امنیت و روی کار آمدن حکومت واحد، رسوم و عادات کهن را نیز از نو زنده ساخت.» (آراین پور، 1375، ج 1: 15) آغا محمد خان به واسطه ی اشتغال به جنگ و پیروزی فرصتی برای تشویق شعرا و گویندگان نداشت اما فتحعلی شاه که خود دستی در شعر داشت و با تخلص «خاقان» شعر می سرود باعث رونق انجمن ادبی و از جمله «انجمن خاقان» شد که شاعرانی چون صبا، نشاط، مجمر، فروغ کاشانی، صاحب، سحاب* از میان آن ها برخاستند. این شاعران کوشیدند تا با تقلید از شاعران سبک خراسانی و عراقی به زعم خود به ابتدال و انحطاط سبک هندی پایان دهند، به همین دلیل از سبک و شیوه متداول عدول کرده و به شیوه ی پیشینیان بازگشت نمودند و نهضتی را پدید آوردند که بعدها به نام نهضت بازگشت ادبی مرسوم گردید.

دکتر شمیسا در کتاب «سبک شناسی نظم» به عوامل موثری که در پیدایش نهضت بازگشت ادبی موثر بوده است اشاره می کند از جمله به تاراج کتابخانه اصفهان در حمله ی افغان ها که تعدادی از این کتاب ها به دست مردم می افتاد و باعث ارتباط مجدد اهل ذوق با ادب کهن می شود. ایجاد دربار با شکوه و تثبیت حکومت مرکزی که شاعران دوباره در دربار جمع می شوند و به مدح پادشاهان قاجار به شیوه ی سلاطین غزنوی و سلجوقی می پردازند و بالاخره تضعیف جامعه یعنی تغییر کردن اوضاع و احوال منحن سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بر اثر شکست ایران از روسیه تزاری و اعمال نقش دولت های استعماری و حال و هوای قرون وسطایی ایران، مناسب همان شعر دوره ی بازگشت (شمیسا، 1379: 206) به هر حال قسمت اعظم اشعار دوره ی بازگشت اشعاری است که به اقتفای اشعار قدما سروده شده به گونه ای که حتی صورت شعری را نیز تقلید کرده اند.

بدین ترتیب اساس کار این شاعران هم از نظر لفظ و هم محتوا بر تقلید استوار بود. بنابراین خلاقیت و آفرینش هنری جایگاهی نداشت «طبیعی است وقتی که مبنای کار هنری بر تقلید و تتبع نهاده شد، دیگر محلی برای ابداع و ابتکار و مجالی برای اصالت اندیشه و احساس آزاد شاعر نبود و در اشعاری که بدین گونه ساخته و

* در دوره ی بازگشت ادبی شاعران بسیاری به تقلید از سبک خراسانی قصیده و به تقلید از سبک عراقی غزل می سرودند بزرگترین قصیده سرایان: فتحعلی خان صبا، قانی، سروش، محمود خان ملکالشعراء، فتح الله خان شیانی و شهاب اصفهانی غزل سرایان: نشاط اصفهانی، وصال شیرازی، های شیرازی، فروغی بسطامی، مجمر، یغما و...

پرداخته می شد به وضع زمان و حوادث ملی و اجتماعی کمتر توجه می رفت و در میان سروده های شاعران و خود زندگی فاصله ها و پرتگاه ها بود.» (آرین پور، 1375: 19)

و به قول آقای لنگرودی « شعر بازگشتی، شعر خواص بود، شعر خواص وابسته به دربار، شعری بود که به هیچ وجه نشان دهنده و تاباننده ی وضع عمومی و حتی خصوصی درباری نبود و حتی نماینده ی وضع و حال خواص نیز نبوده است.» (لنگرودی، 1372: 265)

شعر قاجار به دو دسته تقسیم می شود:

1- دوره ی اول، شامل سال هایی بین 1193 هـ. ق یعنی سال مرگ کریم خان زند و انقراض زندیه و در حقیقت آغاز تسلط قاجاریه تا سال 1324 یعنی سال صدور فرمان مشروطیت و مرگ مظفرالدین شاه، در این مدت شعر خاص دربار است و شعر و شاعر در قید دربار.

2- سال 1324 هـ. ق تا انقراض سلسله قاجار 1343 هـ. ق که شعر و شاعری از قید دربارها آزاد شده و مشتریان دیگری غیر از دربارها یافته است. (حمیدی شیرازی، 1364: 15)

در دوره ی اول که شعر در خدمت دربار است «منحصر به مدح، ستایش، وصف شکار و شراب و جشن ها و سلاح ها و بزم های عیش و نوش و خوشگذرانی، خمیر مایه ای از تغزل و تشبیب، با دادن تصاویری از عوالم طبیعت، مانند بهار و خزان و شب و روز یا گریز به تصوف و عرفان و ذکر بی وفایی و بی اعتباری دنیا و تأسف بر گذشته و...» (آرین پور، 1375: 19)

اما در دوره ی دوم که با صدور فرمان مشروطیت (توسط مظفرالدین شاه در سال 1324 هـ. ق) همراه بود. نخستین انقلاب مهم مردمی در جامعه ی ایرانی به حساب می آید که ماهیت آن با سایر حوادثی که در تاریخ ایران به وقوع پیوسته بود متفاوت بود. محتوای شعر این دوره با شعر فارسی دوران های پیش تفاوت معناداری پیدا کرد. شعر مشروطه با ویژگی هایی چون: وطن خواهی، دفاع از آزادی های فردی و اجتماعی، قانون خواهی، سمت گیری ضد اسعماری و استبدادی، زن و مسائل چون حجاب، لزوم تعلیم و تربیت زنان، به رسمیت شناختن حقوق آن ها، حق حاکمیت ملی، تجدد گرایی و سنت گریزی و... از ادوار شعر فارسی متمایز شد. شاعران برجسته ی آن سید اشرف الدین قزوینی، ایرج میرزا، دهخدا، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، بهار، ادیب الممالک فراهانی و... با طرح مسائل سیاسی و نقد اوضاع و پدیده های اجتماعی و فرهنگی، مطالبات و خواسته های مردم را در اشعارشان منعکس ساختند.

هر چند برخی از صاحب نظران، شعر مشروطه را از نظر ادبی کم ارزش می دانند اما «از نظر تاریخی آن را صدای تازه ای که کمی بعد از مشروطه به صداهای بسیاری تبدیل می شود می دانند زیرا نظر شعری این دوره بر این بود که شعر باید به جای تقلید و تکرار نگرش های کلی، از تجارب شخصی و عاطفی شاعران عصر مایه بگیرد.» (آجودانی، 1382: 131)

به هر حال شاعران این دوره، چون مخاطبشان عامه مردم و هدفشان طرح مسائل اقتصادی - سیاسی و اجتماعی بود به زبان محاوره روی آوردند و واژه های جدیدی* که به مناسبت در زبان مردم راه یافته بود در شعر به کار بردند و تلاش کردند که از زبان مرسوم و همه فهم همان عصر، استفاده کنند، و لغات فاخر ادبی را یکسر کنار گذاشتند. از لحاظ ادبی نیز چندان به صنایع ادبی توجه نشان ندادند و قالب های جدیدی از انواع ترجیع بند، مستزاد، مسمط و چهار پاره را مرسوم کردند.

آقای شمیسا معتقدند که با پایان یافتن سر و صدای مشروطیت و تغییر حکومت و تثبیت دوره ی پهلوی، شعر دوره ی مشروطیت به صورت شعر نو متجلی می شود. البته در این دوره دو جریان است: یکی تلفیق افکار نو با ادبیات سنت که می توان آن را ادامه ی همان دوره ی بازگشت دانست و دیگری جریان حقیقی تغییر سبک که برخی به آن توجه نشان داده بودند و از همه جدی تر علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج و ملقب به پدر شعر نو بود. (شمیسا، 1372: 231)

* واژه های چون: مجلس، کنگره، تلگراف، اولتیماتوم، مد، دیپلماسی، فکل، پارتی، کابینه و...

درباره ی حضور ادبی زنان در دوره ی قاجار، در لابه لای صفحات تاریخ این عهد، شواهدی در باب تمایل زنان به ویژه در دربار، به مسائل هنری وجود دارد. به طوری که بسیاری از زنان و دختران فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، به هنرمندی شهره بودند. در حقیقت مهیا بودن شرایط مناسب و امکانات کافی در شکوفایی استعداد این زنان، به خصوص در زمینه شعر، سهمی اساسی داشت. شاعرانی چون دلشاد، نوش، تاج الدوله، عصمت بیگم، والیه، عفاف قاجار، طیبیه، فخری، مهد علیا، ماه رخسار خانم، خاور قاجار، زبیده خانم، ضیاءالسلطنه، زهرا سلطان، فخرالملوک و... که دختر، همسر و یا عروس فتحعلی شاه یا ناصرالدین شاه بودند. جدای از زنان درباری، زنان سخن سرای دیگری نیز در دوره ی قاجار می زیستند از جمله، حیران خانم، منور، صنعت، خانم کوچک، مهرتاج رخشان، فخر عادل خلعت بری، شاهدخت ملایری، درة العلماء، سلطان بسطامی، فرخنده و... و ده ها تن دیگر که تذکره نویسان شمار آن ها را بیش از نود تن برشمرده اند. هر چند زنان شاعر در دوره ی قاجار به خاطر دیدگاه خاص جامعه و عدم حضور آن ها در محافل و انجمن های ادبی، از رویدادهای هنری آن عهد، دور مانده اند. آن چنان که در کتاب از نیما تا روزگار ما، چنین آمده است: « در سر تا سر دوره ی سلطنت قاجاریه، نامی از زن و حقوق و آزادی نیست هر چند به کنایه، ذکری از این مقوله نمی رود. سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ و تحولات نسبی که در نتیجه ی آشنایی شاه و رجال ایران به اوضاع اروپا در کشور پدید آمد هیچ گونه تغییری در سرنوشت زن ایرانی به وجود نیاورد و قیود مذهبی و شرایط اجتماعی هم چنان به زن اجازه نداد که نه تنها در بیرون از خانه بلکه در چهار دیواری خانه خود، از حقوق و آزادی برخوردار گردند. در این اوقات، به تعلیم و تربیت زنان چندان توجهی نمی شد و دبستان های دخترانه وجود نداشت و تنها دختران خانواده های اشرافی پیش ملای سرخانه که غالباً زن بود، قرآن و تا اندازه ای خواندن و نوشتن زبان فارسی را یاد می گرفتند.» (آرین پور، 1376: 4-5) اما تعدادی از آن ها به ویژه عفت نسابه از جریان های ادبی آن عهد مطلع بوده، از شاعران دوره ی بازگشت (مجموعه نشاط، صبا) پیروی کرده و اشعاری به سبک و سیاق آن ها سروده اند. « این شاعران و به طور کل شعرای این عصر اعم از زن و مرد بیشتر از قصیده سرایان بزرگ سده ی پنجم و اوایل قرن ششم هجری مانند فرخی، منوچهری، مسعود سعد و ناصر خسرو و... پیروی می کردند و سبک انوری و خاقانی و جمال الدین اصفهانی را به کار نمی برده اند. در غزل نیز پیروی سعدی و حافظ بودند؛ به گونه ای که عاشقانه سراها اغلب از سعدی و شعرای عارف منش برای ابراز احساسات عرفانی و عقاید صوفیانه بهره میبردند از حافظ پیروی می کردند.» (غفاری، 1385: 180)

بنابراین شعر زنان تا پیش از مشروطه، در محدوده های مفاهیم غنایی، عرفانی و اخلاقی و مدح ستایش بود و اشعار آنان به ندرت اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار را در بر می گرفت. زنان دربار گاه از سر تفنن و فخر فروشی شعر می ساختند و به سبب موقعیت خود، فکر و بینش محدودی داشتند. بنابراین تقلید و تتبع از شاعران پیشین، باعث تکرار مضامین و عدم خلاقیت و آفرینش هنری در شعر زنان شد. « تا پیش از مشروطه

به رغم کثرت شاعران زن و وفور میل به سرایش در میان قشرهای مختلف جامعه، محدودیت اندیشه‌ی حاکم بر اشعار کاملاً حس می‌شود.» (احمدی، 1383: مقدمه) اما در دوره‌ی مشروطه که حیات نوین اجتماعی و فرهنگی و ادبی زنان ایرانی آغاز می‌شود و دریچه‌ای تازه را به روی او می‌گشاید به موازات حضور زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی از قبیل تصدی شغل‌هایی چون سر دبیری مجلات و روزنامه، تأسیس مدارس و جراید و ... و زنان شاعر به عرصه‌ی جامعه پا گذاشتند که ابعاد تازه‌ای از اندیشه‌های اجتماعی را در شعرشان منعکس کردند. زنانی چون فصل بهار خانم، بدر الدجی، مه‌رتاج رخشان، نیم‌تاج سلماسی، فخر عظمی ارغون، شمس کسمایی و ... که با طرح مسائل مختلف در اشعار خود اظهار: نارضایتی از وضعیت زنان، ترغیب زنان به یادگیری علم و هنر، واقف شدن زنان به حقوق مدنی، سنت ستیزی، بیان محرومیت‌ها، رنج‌ها، ناکامی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و نیز طرح مسائلی از قبیل دغدغه‌ی کسب هویت و پیکار با محدودیت‌ها و محرومیت‌ها در شعرشان، تلاش کردند اعتراض و عصیان زن ایرانی را در برابر موانع و مشکلات نشان داد.

در اشعار برخی از شاعران این دوره، چون شاعران مرد دوره‌ی مشروطه، روحیه‌ی آزادی خواهی، قانون‌گرایی، استبداد ستیزی و مقابله با خیانت کاران و مفسدان جامعه دیده می‌شود.

به هر حال با جنبش مشروطه و رویکرد شعر و ادبیات فارسی به تجدد گرایی و با درنگ بر مقاطع دیگر تاریخی از سال 1304، شهریور 1320 و کودتای 28 مرداد و ... با زنان شاعری روبرو هستیم که به طرز محسوسی به سمت نو گرایی (شکل و محتوا) قدم بر می‌دارند و در تثبیت و تبیین جایگاه زنان شاعر در ادبیات منظوم فارسی گام‌های اساسی برداشته‌اند. شاعرانی چون پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، طاهره صفار زاده و ... که تأمل در اشعار هر یک، پژوهشی مستقل را می‌طلبد.